

تابعیت در ادوار جدید

هر چه روابط بین الملل زیاد و زیادتر میشود موضوع تابعیت صورت دیگری بخود میگیرد .

در ایران جدید تابعیت در اثر اختلافات سرحدی و همجواری باید مورد مطالعه قرار گیرد و بعداً در مقاوله‌ها و قراردادهای رسمی مختلف فصلی برای خود باز میکنند چنانچه در معاهده ترکمن چای ۱۲۴۳ قمری و سایر عهدنامه‌ها در این مورد تذکراتی داده شده و بعدها با وضع قانون جدید تابعیت و هم چنین در سال ۱۳۰۸ قانون جدید تابعیت که در سال ۱۳۰۹ تکمیل گردیده و تا بهمن ۱۳۱۳ اجرا میشد و بعداً در ۲۷ بهمن ۱۳۱۳ با وضع قانون مدنی از ماده ۹۷۶ الی ۹۹۱ که اختصاص قانون تابعیت داده شده سیر مدارج قانونی آن طی میگردد .

حال موضوع معامله متقابله را در قانون تابعیت مطالعه مینمایم : ماده ۹۷۸

مینویسد :

« نسبت باطفاالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده اند که در ماهکات متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را بموجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران منوط با اجازه میکنند معامله متقابله خواهد شد ؟ آیا در این مورد ماده ۹۸۲ که عیناً درج میشود نیز باید مراعات گردد ؟ »

وضعیت چنین اطفالی که معامله متقابله در بین نباشد شامل مقررات ماده مزبور
میشود :

ماده ۹۸۲ - اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نمودند یا مینمایند از کلیه
حقوقی که برای ایرانیان مقرر است با استثناء حق رسیدن به مقام وزارت و کفالت وزارت
و یا هرگونه مأموریت سیاسی خارجه بهره‌مند میشوند لکن نمیتوانند به مقامات ذیل
تائل گردند مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت :

۱ - عضویت مجالس مقننه .

۲ - عضویت انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی .

۳ - استخدام وزارت امور خارجه .

بدیهی است وضعیت حقوقی افرادی که با اجازه دولت ایران تحصیل تابعیت
کنند یا با کسی که در ایران متولد شده و تا ۱۸ سال تمام نرسیده فرق بسیار دارد.
اساساً چنین تصویری برای اشغال مقامات مذکوره فوق برای طفالی که به هیجده سال
نرسیده است مشکل میباشد زیرا با قوانین استخدام و سایر مقررات آئین نامه‌های
انجمن ایالتی و ولایتی یا قانون انتخابات و آئین نامه استخدام وزارت امور خارجه
تعارض پیدا میکند و قرینه دیگری که بر رفتار متقابل در امر تابعیت میتوان یافت
مواد ۹۸۴ و ۹۷۷ قانون تابعیت است باین معنی که « زن و اولاد صغیر کسانی که
بر طبق قانون تحصیل تابعیت ایران مینمایند تبعه دولت ایران شناخته میشوند ولی
زن در ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یکسال
از تاریخ رسیدن بن هیجده سال تمام میتوانند احضاریه کتبی وزارت امور خارجه
داده و تابعیت ممالک سابق شوهر و یا پدر را قبول کنند لیکن باظهاریه اولاد اعم
از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ضمیمه شود : »

مقصود از تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ این است که اشخاصی که در ایران

از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده و یا کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده چنانچه بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید تصدیق دولت متبوع پدرشان دائر باینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت ضمیمه اظهاریه نمایند: در اینجا نزاکت بین المللی و رفتار متقابل عرض اندام میکند و معامله متقابله با دول اقتضامیکند که در اینگونه موارد که افراد مذکور با ارائه تصدیق دولت متبوع پدر خود بخواهند بتابعیت پدر خود برگردند بدیهی است با شرط معامله متقابله رفتار خواهد شد و اجازه خروج از تابعیت صادر خواهد گشت.

در خاتمه نکته ای که قابل ملاحظه است در مورد ماده ۹۷۹ و تحصیل تابعیت است که شرح داده شد.

در ماده ۹۷۹ مذکور است اشخاصی که بسن هیجده سال تمام رسیده و پنج سال متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده و فراری از خدمت نظام نبوده و در هیچ مملکتی بجنحه مهم و یا جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشد میتوانند تابعیت ایران را تحصیل کنند.

نکته قابل ملاحظه در مورد عدم محکومیت بجنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی در هیچ يك از ممالك جهان است که کار را از چند نظر مشکل کرده؟

اولا جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی منظور نظر مملکتی است که جرم در آن کشور واقع شده یا از نظر کشور ایران است چه آنکه ممکن است در ایران عمالی جرم باشد ولی در کشور دیگر جرم نباشد یا بالعکس پس تکلیف چنین شخص چیست دوم آنکه برای چنین شخصی استعمال از کلیه ممالك جهان کاری است بس مشکل و ممکن است سالیان دراز تهیه چنین مدارك طول بکشد و شاید تحصیل پاسخ از تمام کشورها میسر نباشد سوم آنکه فرض کنیم چنین شخص جرمی مرتکب شده

باشد از نظر دولت ایران اعاده حیثیت حاصل شده آیا از این ارفاق قانونی استفاده خواهد کرد؟

بدیهی است رفتار متقابل و قاعده معامله متقابل اقتضا خواهد کرد که جرم از نظر کشوری که باید سند تابعیت بدهد خواهد بود و اعاده حیثیت هم از قواعدی است که برای چنین شخصی مورد استفاده واقع خواهد شد تا با چنین تسهیلاتی اشخاص بتوانند بتابعیت ایران نایل گردند.

پنجم : آقای دکتر ملک اسمعیلی

مسئولیت جزائی

در شماره قبل پاره از مقررات مربوط به قیمومت و نگاهداری اطفال و مقررات قانون مدنی راجع باداره اموال صغیر که مستقیماً تأثیر در جرائم اطفال دارد مورد نظر واقع شد و بحث باینجا رسید که قیم نمیتواند بدون ضرورت و احتیاج برای صغیر قرض نماید و قانون اضافه مینماید که قیم نمیتواند دعوی مربوط بصغیر را اصلاح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی العموم و ماده ۱۲۴۳ قانون مدنی مقرر میدارد که در صورت وجود موجبات موجه دادستان میتواند ازدادگاه شهرستان تقاضا کند که از قیم تضمیناتی راجع باداره اموال صغیر بخواهد تعیین نوع این تضمین را قانون